



## استناد به قانون دلالتان

# با وجود قانون تعزیرات حکومتی تخلف انتظامی است

با همکاری علیرضا فلاح

عذر موجه ظرف مهلت و ضوابط و مقرراتی که توسط هیئت عالی نظارت بر شورای مرکزی اصناف تعیین و اعلام می شود.

مواد ۲ و ۱۴ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹ نیز در تعریف فرد صنفی و اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوطه می باشد (مواد ۲ و ۵ و ۱۲ قانون صنفی مصوب ۱۳۷۶) که رعایت آنها برای افراد هر صنف الزامی است بنابراین استناد دادگاه به قانون دلالتان و جهات قانونی ندارد و تخلف است و در خصوص قضات تجدید نظر به منع تعقیب عقیده دارم.

آقای... معاون دادرسی انتظامی در مقام اظهار نظر نسبت به نظریه فوق توضیح داده است که حسب مقررات ماده ۱۲ قانون تعزیرات حکومتی مصوب اسفند ۶۷ با اصلاحیه های بعدی تعزیر نداشتن پروانه کسب واحد صنفی خدماتی مرحله اول (اصلاحی ۱۹ مهر ۷۳) تمدید مهلت تا ۳ ماه و در مرحله دوم قطع سهمیه یا برخی خدمات دولتی تا ۳ ماه و اخذ جریمه تا ۲۰۰ هزار ریال و تمدید مهلت تا ۳ مرحله سوم تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه کسب تعیین شده است بنابراین صدور حکم بر محکومیت متهم به ۶ ماه حبس از ناحیه آقای... رئیس دادگاه به استناد ماده ۹ قانون راجع به دلالتان غیرموجه بوده و برخلاف مقررات ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری است. ضمن موافقت با اعلام سایر تخلفات تأیید حکم بدوی مزبور در دادگاه تجدیدنظر نیز تخلف است که

است ذیل آن آقای... رئیس شعبه پرونده را به شعبه خود ارجاع و در کنار آن دستوراتی صادر نموده از جمله بررسی وضعیت اخلاقی متهم علت قید گزارش عنوان شعبه... معلوم نیست.

۲- برای متهم قرار وثیقه به مبلغ ۵۰ میلیون ریال صادر و پس از توقیف سند مالکیت وثیقه گذار در اداره ثبت رئیس دادگاه بجای صدور قرار قبولی وثیقه مبادرت به صدور قرار کفالت نموده است.

۳- قرار وثیقه صادره برای نداشتن مجوز کسب متناسب نیست و برخلاف مقررات ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی کیفری است.

۴- پس از تشکیل جلسه پانزدهم شهریور ۸۲ بدون اخذ آخرین دفاع رأی صادر نموده که برخلاف بند ۵ ماده ۱۹۳ همین قانون است.

۵- رئیس دادگاه در اولین جلسه دادرسی (پانزدهم شهریور ۸۲) رعایت مواد ۱۲۹ و ۱۹۲ قانون مرقوم را در استعلام هویت متهم ننموده و ذکر اینکه هویت شما در پرونده منعکس است کفایت نمی کند.

۶- مستند دادگاه در رأی صادره قانون راجع به دلالتان (ماده ۹) مصوب ۱۳۱۷ می باشد در حالی که این قانون پس از تصویب قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷ برای تأسیس نمایشگاه نسخ شده است مطابق ماده ۵۶ قانون اخیر کلیه مقررات و قوانین مغایر با این قانون یا رعایت ماده ۵۲ از تاریخ اجرا متوقف شده و مطابق ماده ۱۲ این قانون نداشتن پروانه کسب واحدهای صنفی عبارت است از عدم اخذ پروانه بدون

■ صدور حکم بر محکومیت متهم به شش ماه حبس به استناد قانون دلالتان مصوب ۱۳۱۷ با وجود قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۶ تخلف انتظامی است

دادنامه شماره ۴۲۲-۴۲۰ تاریخ دهم آذر ۸۳ شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات

از جمله تخلفات انتظامی قضات مندرج در دادنامه مذکور صدور حکم بر محکومیت متهم به شش ماه حبس به استناد قانون دلالتان مصوب ۱۳۱۷ است که با وجود قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۶ غیر موجه و برخلاف مقررات ماده ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری می باشد.

گردشکار: دادستان انتظامی قضات طبق کیفرخواستهای شماره... صادره در پرونده کلاسه... انتظامی بر اساس نظریه آقای... دادیار که به تأیید آقای... معاون آن دادسرا رسیده آقایان... مستشار شعبه... دادگاه تجدیدنظر آذربایجان شرقی ۲-... رئیس همان شعبه ۳-... رئیس شعبه... دادگاه عمومی سراب را در رسیدگی به پرونده کلاسه... بدوی متخلف اعلام و به استناد ماده ۲۰ نظامنامه مجازات انتظامی آنان را تقاضا کرده است.

آقای... دادیار انتظامی پس از گزارش جریان پرونده چنین اظهار عقیده کرده است: ۱- گزارش مدیریت اطلاعات نیروی انتظامی سراب قبل از ثبت و ارجاع آن به شعبه... خطاب به رئیس این شعبه

با قبول دادیار انتظامی کیفرخواستهای مورد اشاره صادر گردیده است.  
پس از ابلاغ کیفرخواستها لایحه دفاعیه قضات موصوف واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد گردید.

اینک دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از قرائت گزارش پرونده و لایحه دفاعیه واصله و کسب عقیده نماینده دادستان انتظامی قضات در اجرای ماده ۴۱ اصول تشکیلات دادگستری مبنی بر: (صدور حکم دایر بر تعیین مجازات قضات مشمول کیفرخواست مورد تقاضاست) با انجام شور به شرح ذیل مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی دادگاه

تخلفات رئیس دادگاه بدوی دایر بر: ۱- نحوه ارجاع پرونده به شعبه خود ۲- صدور قرار کفالت به جای قرار قبولی وثیقه ۳- صدور قرار نامتناسب وثیقه برای نداشتن پروانه کسب ۴- محکومیت متهم بدون اخذ آخرین دفاع ۵- عدم رعایت مفاد مواد ۱۲۹ و ۱۹۲ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری ۶- استناد به قانون دلالان مصوب ۱۳۱۷ در حالی که به صراحت بند ماده ۱۲ قانون تعزیرات حکومتی (حاکم در زمان قضیه) مجازات نداشتن پروانه کسب در مرحله اول تمدید مهلت تا ۳ ماه و مرحله دوم قطع سهمیه یا برخی خدمات دولتی تا ۳ ماه و جریمه تا ۲۰ هزار ریال و تمدید مهلت تا سه ماه و مرحله سوم تعطیل واحد تا اخذ پروانه بوده

است (گرچه فعلاً قانون نظام صنفی مصوب اسفند ۸۲ حاکم است) به ترتیب مقرر در گزارش دادرسی انتظامی که دفاع موجهی در قبال آن بعمل نیامده ثابت است.

لذا آقای... رئیس وقت شعبه... دادگاه عمومی سراب را به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات قضات به کسر ربع حقوق ماهیانه به مدت ۶ ماه محکوم می نماید.

هیأت شعبه دادگاه تجدیدنظر نیز در تأیید رأی مخدوش مزبور مرتکب تخلف شده اند و به استناد همان ماده نظامنامه آقایان... رئیس و... مستشار شعبه... دادگاه تجدیدنظر استان آذربایجان شرقی را به کسر خمس حقوق ماهیانه به مدت سه ماه محکوم می نماید. رأی صادره قطعی است.

■ تخلف انتظامی به لحاظ عدم اظهار نظر نسبت به موضوعات مورد شکایت شاکی و...

دادنامه شماره ۳۸۳ و ۳۸۲ مورخ سی ام آبان ۱۳۸۳ شعبه... دادگاه عالی انتظامی قضات

گردشکار: دادرسی محترم انتظامی قضات طبق کیفرخواستهای شماره... صادره در پرونده انتظامی کلاسه... آقایان...

و... دادیاران دادرسی عمومی و انقلاب اسلامشهر را در رسیدگی به پرونده کلاسه... متخلف اعلام و با استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات مجازات انتظامی آنها را تقاضا کرده است.

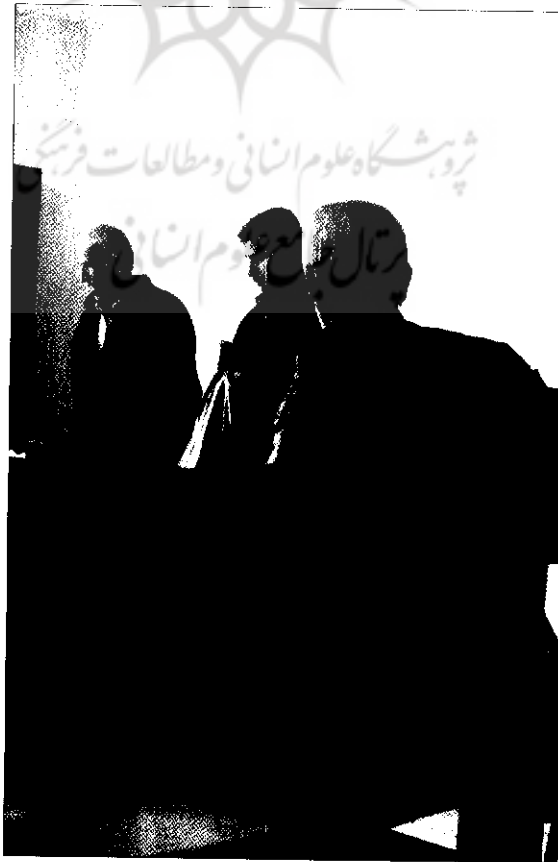
گزارش دادرسی انتظامی قضات اجمالاً حاکی است آقای (م. ن) علیه آقای (س. م) شکایت نموده که با مشارکت عده ای در اطاقهای او را تخریب و وسایل موجود در اطاقها را به سرقت برده اند قبلاً نیز مشتکی عنه مزاحمت و ممانعت از حق می کرد و محل مذکور را تصرف عدوانی کرده بود که حکم رفع تصرف عدوانی و رفع مزاحمت و ممانعت از حق صادر شده است. شاکی شرکای جرم متهم را (ن. آ) و (م. ا) اعلام و از آنها هم شکایت کرده است پرونده به آقای... دادیار شعبه... ارجاع شده وی دستور تکمیل تحقیقات را صادر نموده گزارش کلانتری حاکی است ملک مورد ادعای شاکی فعلاً در تصرف کسی نمی باشد آقای (م. ا) اظهار داشته کلیه اموال آقای (م. ن) در حضور مأمور تحویل ایشان شده و هیچگونه اموالی سرقت نکرده ایم آقای (س. م) گفته است کلیه وسایل شاکی را در حضور مأمور تحویل داده ایم سرقتی در کار نمی باشد آقای (ن. آ) تبعه کشور افغانستان نیز گفته من داخل اطاق بودم وسایل یک دستگاه جوش و جک را دیدم (س. م) برداشته است یکی از شهود بنام آقای (ح. ا) اظهار داشته در مغازه صافکاری (س. م) بودم مأمور اجرا کلیه اموال آقای (م. ن) را تحویل خودش داده است شاهد دیگر

آقای (ح. ن) بیان داشته است یکدستگاه جرتقیل و یک عدد جک سوسماری و یک دستگاه جوش آقای (س. م) تحویل آقای (م. ن) داد و مأمور هم حضور داشت (س. م) در اظهارات بعدی خود گفته است چون درب مغازه شاکی باز بود و احتمال و سرقت اموال ایشان میرفت من نگهبان گذاشتم که اموال را نبرند آقای دادیار رسیدگی کننده به پرونده ضمن اعلام ختم تحقیقات در خصوص اتهام آقایان (س. م) و (ر. ا) و (ن. آ) مبنی بر تصرف عدوانی مزاحمت و ممانعت از حق به لحاظ عدم کفایت دلیل و عدم احراز تحقق بزه قرار منع پیگرد صادر نموده است قرار صادر مودر اعتراض شاکی قرار گفته پرونده در شعبه...

دادگاه کیفری اسلامشهر مطرح و قرار معترض عنه نقض و در رأی صادره تصریح گردیده در خصوص تخریب اثاثیه و سرقت نفیاً یا اثباتاً اظهار نظر نشده است با اعاده پرونده به شعبه دادرسی آقای دادیار دستور داده دفتر پرونده بایگانی شود بعداً دادستان اسلامشهر خطاب به دادیار رسیدگی کننده به پرونده دستور داده بعد از نقض قرار منع تعقیب بایگانی نمودن پرونده خلاف قانون است و باید رسیدگی ماهوی شود با توجه به اینکه آقای... دادیار شعبه... به آموزش ضمن خدمت اعزام شده پرونده به دادیار دیگر به نام آقای... ارجاع می شود وی شرحی به شعبه... نوشته و درخواست ارشاد و اعلام موارد نقض را می نماید دادگاه مجدداً مراتب را تشریح و پرونده را به دادسرا ارسال می دارد آقای... پس از مراجعت از دوره آموزش ضمن خدمت پرونده را تحت نظر قرار داده و نوشته است به لحاظ عدم آشنایی با روال رسیدگی به تصور اینکه قرار مورد تأیید قرار گرفت دستور بایگانی داده ام و در مورد سرقت و تخریب به لحاظ فقد ادله اثباتی و عدم احراز بزه به منع تعقیب اظهار نظر کرده است با ارسال پرونده به شعبه... جزایی اسلامشهر قرار صادره عیناً تأیید گردیده است.

دادرسی انتظامی قضات اظهار نظر نموده موضوع شکایت شاکی سرقت و تخریب بوده آقای... در مورد موضوعاتی مورد شکایت به هیچ وجه اظهار نظر نکرده و در مورد تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق که اساساً مورد شکایت نبوده اظهار نظر کرده است و آقای... دادیار اظهار نظر نیز بدون توجه به مفاد شکایت شاکی و بررسی محتویات پرونده با قرار منع تعقیب موافقت نموده است علاوه بر این آقای... بعد از نقض قرار منع تعقیب تحقیق و اظهار نظر دستور بایگانی نمودن پرونده را داده است بنا به جهات فوق هر دو نفر را متخلف شناخته و تعقیب انتظامی آنها را درخواست کرده است پس از صدور کیفرخواست و ابلاغ آن به قضات مربوطه لایحه واصله شده که هنگام شور قرائت خواهد گردید.

اینک شعبه... دادگاه عالی انتظامی



قضات به ترتیب فوق تشکیل است با قرائت گزارش پرونده و لویایح دفاعیه واصله و کسب عقیده نماینده محترم دادرسی انتظامی قضات مبنی بر اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی با انجام شور بشرح ذیل مبادرت به صدور رأی می نماید:

رأی دادگاه

آقای ... دادیار دادرسی عمومی و انقلاب اسلامشهر به جای اظهار نظر نسبت به موضوعات مورد شکایت شاکئی که سرقت و تخریب بوده در مورد تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق که اصلاً مورد شکایت نبوده اظهار نظر کرده است علاوه بر این بعد از نقض قرار منع تعقیب در دادگاه کیفری بجای تحقیق و اظهار نظر بدون هیچ اقدامی دستور بایگانی نمودن پرونده را داده است. مدافعات وی مؤثر در مقام تشخیص نگردید علیهذا با احراز تخلفات مزبور باستناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه نامبرده به کسرعشر حقوق ماهانه به مدت دو ماه محکوم می گردد آقای ... دادیار اظهار نظر که بدون توجه به مفاد شکایت شاکئی و بررسی محتویات در مورد تصرف عدوانی و مزاحمت و ممانعت از حق موافقت نموده در حالیکه موضوعات مزبور مورد شکایت نبوده و در مورد آنچه مورد شکایت بوده اساساً اظهار نظر نکرده است نیز مرتکب تخلف شده مدافعات وی مؤثر در مقام تشخیص نگردید علیهذا باستناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات نامبرده به توییح کتبی با درج در ورقه خدمتی محکوم می گردد رأی صادره نسبت به هر دو نفر قطعی است.

■ به موجب دادنامه شماره ۵۴ و ۵۵ مورخ ۲۷ فروردین ۸۴ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات استرداد طفل به نحو مطروحه امری حقوقی است لذا تعقیب و صدور قرار تأمین و محکومیت مشتکی عنهما باستناد ماده ۶۳۲ قانون مجازات اسلامی خلاف ماده مزبور بوده و انطباقی با آن ندارد

خلاصه پرونده:

دادرسی محترم انتظامی قضات طی دو فقره کیفرخواست به شماره ... علیه آقایان ۱- ... دادرسی شعبه ... دادگاه عمومی فرید ۲- ... قاضی تحقیق دادگاه عمومی فریدن اعلام تخلف نموده است. اجمال محتویات گزارش این است که خانم (ز.ح) بعد از فوت شوهرش قصد داشته که فرزند خرسال (پسر دو ساله) خود را ببرد اما پدر و مادر شوهر وی از این اقدام جلوگیری نموده اند وی به دادگاه عمومی فریدن شکایت کرده دادرسی دادگاه دستور استرداد طفل به مادرش را داده است همچنین آقای (ط.س) و خانم (خ.س) به اتهام عدم تحویل طفل تحت تعقیب قرار گرفته اند. قاضی تحقیق برای هر یک از نامبردگان قرار تأمین از نوع وثیقه به مبلغ بیست و پنج میلیون صادر کرده است و دادرسی دادگاه در نهایت پس از تفهیم اتهام هر کدام را به تحمل سه ماه و یک روز حبس (تعلیقی) محکوم نموده است رأی دادگاه بدوی در شعبه ... دادگاه تجدیدنظر استان اصفهان طی دادنامه شماره ۹۸۷-۱۷ دی ماه ۸۲ نقض و مهمین تیره شده اند.

دادرسی محترم انتظامی اجمالاً چنین اعلام تخلف کرده که استرداد طفل یک امر حقوقی است و دستور قاضی بر استرداد وی قبل از صدور حکم تخلف است زیرا شاکیه دلیل بر قیومیت خود ندارد مضافاً اینکه دستور صادره با ورود به مخفیگاه متهمه بوده است و نیز اعلام شده قاضی تحقیق فوق الذکر در پرونده امر که ماهیت حقوقی داشته قرار وثیقه صادر کرده است کیفرخواست به قضات مزبور ابلاغ و هر کدام طی لایحه جداگانه ای از خود دفاع نموده اند که هنگام شور قرائت خواهد شد.

اینک شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است با قرائت گزارش پرونده و لایحه دفاعیه واصله و کسب عقیده نماینده دادرسی انتظامی قضات مبنی بر «اتخاذ تصمیم شایسته و قانونی ...» با انجام شور به شرح ذیل مبادرت به

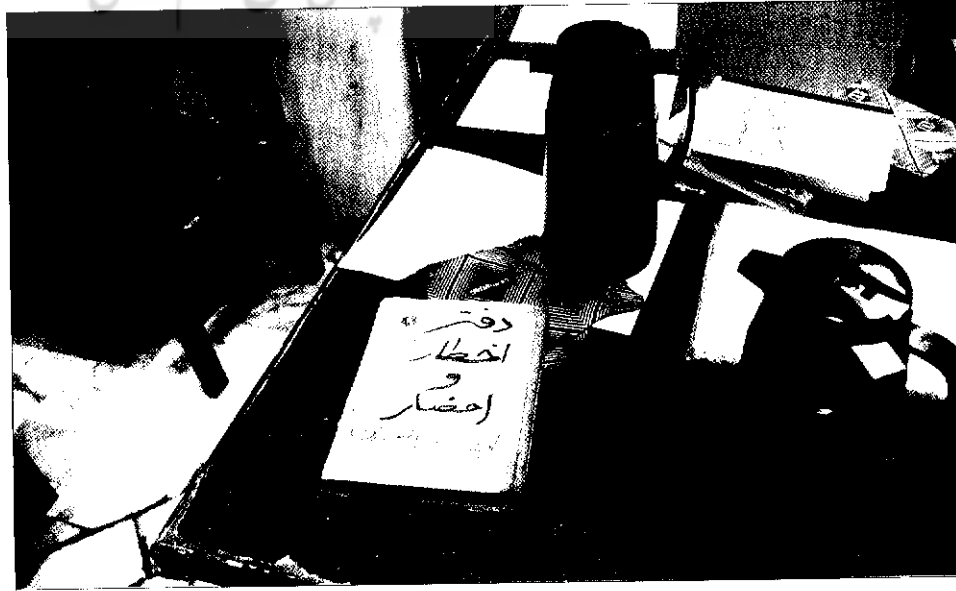
صدور رأی می نماید:  
رأی دادگاه

اقداماتی که آقایان ۱- ... دادرسی شعبه ... دادگاه عمومی فریدن ۲- ... قاضی تحقیق دادگاه عمومی فریدن در تعقیب و صدور قرار تأمین و محکومیت مشتکی عنهما و با استناد به ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی انجام داده اند خلاف ماده مزبور بوده و انطباقی با آن ندارد بلکه موضوع استرداد طفل به نحو مطروحه امری حقوقی است فلذا مستنداً به صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر ثمن یک هشتم حقوق برای مدت دو ماه محکوم می گردند. رأی صادره قطعی است.

■ صدور رأی در خصوص دعوی متقابل علیه مستأجر دایر بر تخلیه محل کسب بدون وجود توافق و یا احراز نیاز شخصی و... مسکوت گذاشتن دعوی اصلی (مطروحه از جانب مستأجر مبنی بر تجویز انتقال منافع) و... تخلفات انتظامی مندرج در دادنامه شماره ۴۱۹ تاریخ هشتم آذر ۱۳۸۳ شعبه ... دادگاه عالی انتظامی قضات

جریان امر: آقای ... اصل دادیار انتظامی در خصوص شکوائیه انتظامی آقای (ع.ن) و خانم (ف.ن) و غیره از نحوه رسیدگی به پرونده کلاس ... شعبه ... دادگاه عمومی تهران پس از مطالبه و ملاحظه پرونده های امر ماحصل آن را چنین گزارش نموده است: ... وراثت مستأجر (شکاه انتظامی) در یک باب مغازه پلاک ثبتی ... بخش ۱۱ تهران باستناد ماده ۱۹ قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۵۶ طی دادخواستی به طرفیت موجر خواستار صدور حکم بر تجویز انتقال منافع مورد اجاره به غیر می گردند که پرونده به شعبه ... دادگاه عمومی تهران (بعدهاً به شعبه ... تغییر یافته) ارجاع می گردد در جلسه دادرسی وکیل خواننده به وکالت از طرف موکل اظهار داشته دعوی تقابلی به خواسته تخلیه مورد اجاره به لحاظ نیاز شخصی اقامه کرده و دارای کلاس ۱۶۴۷/۷۶ می باشد دادگاه با توجه به ملاحظه این پرونده و توجهاً به اعلام آمادگی وکلاء در خصوص رسیدگی توأم هر دو دعوا مطالب آنان را در صورتجلسه قید می کنند دادگاه پس از رسیدگی و انجام استعلامات ثبتی و ارجاع به کارشناس رسمی دادگستری سرانجام در تاریخ سوم آذر ۸۰ به تصدی آقای ... تشکیل جلسه داده و پس از ختم دادرسی شرح زیر رأی صادر می نماید:

دعوی خواهانها به طرفیت خواننده به خواسته تجویز انتقال منافع مورد اجاره به غیر و دعوی متقابل خواننده به طرفیت خواهانها به خواسته تخلیه عین مستأجره با احتساب خسارات قانونی با عنایت به توافق طرفین طی صورتجلسه ششم اسفند ۷۶ مبنی بر تخلیه ملک متنازع فیه ضمن تعیین پرداخت حق کسب و پیشه و بالتبلیغ ارجاع امر به کارشناس مربوطه در جهت تعیین میزان حق کسب و پیشه محل





متنازع فيه و اعتراضات طرفین دعوا نسبت به نظریات کارشناس اولیه و هیأت کارشناسان سه نفره دادگاه در جهت فصل خصومت با توجه به نظریه هیأت پنج نفره کارشناسان که میزان حق کسب و پیشه را مبلغ سیصد و هشتاد میلیون ریال برآورد نموده است و به استناد ماده ۱۹ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب سال ۱۳۵۶ حکم به الزام مستاجر به تخلیه محل متنازع فيه در قبال دریافت مبلغ سیصد و هشتاد میلیون ریال صادر و اعلام می گردد و در خصوص هزینه های وارده به خواهان دعوا تقابل مستنداً به ماده ۵۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی حکم به الزام خواننده دعوی متقابل به پرداخت هزینه دادرسی در حق وی صادر می گردد و . . . چون در رأی مزبور در مبلغ حق کسب و پیشه اشتباهی رخ داده بود با تقاضای ذینفع دادگاه این مبلغ را در رأی صادره تصحیح و رفع اشتباه بعمل می آید.

در ادامه گزارش آقای دادیار انتظامی آمده است در رابطه با عنمکرد دادگاه ذکر نکات زیر ضرورت دارد:

۱- علیرغم اینکه خواهانهای اصلی وکیل داشته اند نظر هیأت کارشناسان پنج نفره به احد از موکلین او بنام آقای (ع. ن) ابلاغ می شود.

۲- با وجود اینکه خواهان تقابل نیز دارای وکیل بوده معذالک رأی اصلی به موکل ابلاغ می گردد.

۳- فقط دادنامه تصحیحی به وکیل خواهانهای اصلی ابلاغ شده و دادنامه اصلی به مشارالیه ابلاغ نگردیده است وکیل موجر تقاضای صدور اجرائیه می نماید آقای . . . در ذیل لایحه دستور اقدام داده و در نتیجه اجرائیه ای مبنی بر تخلیه مورد اجاره در قبال پرداخت حق کسب و پیشه و تجارت از ناحیه محکوم له به محکوم علیه تنظیم و به امضای ریاست دادگاه و مدیر دفتر می رسد وکیل مستاجران طی لایحه ای اعلام می دارد طبق مقررات روابط موجر و مستاجر صدور اجرائیه به منظور تخلیه اعیان استیجاری منوط و موکول به ایداع حق کسب و پیشه بوده و در مانحن فیه حق کسب و پیشه مندرج در رأی تودیع نشده فلذا! صدور اجرائیه موقعیت قانونی نداشته ابطال آن مورد تقاضاست آقای . . . در ذیل لایحه خطاب به دفتر دستور می دهد پس از ابلاغ اجرائیه بنظر برسد وکیل مستاجران لایحه دیگری تقدیم و تقاضای خود را تکرار و آقای رئیس دادگاه در قبال درخواست مجدد مشارالیه چنین اتخاذ تصمیم می نماید:

«دفتر با عنایت به اینکه انقضای مهلت مندرج در ماده ۲۸ قانون روابط موجر و مستاجر رعایت نشده اجرائیه ملغی الاثر محسوب می گردد در خصوص آن با دایره اجرای احکام مکاتبه شود.»

مراتب فوق طی نامه ای به امضاء شخص آقای رئیس دادگاه به اجراء احکام اعلام می شود دو فقره لایحه دیگری از ناحیه وکیل مزبور به دادگاه تقدیم شده و بشرح آنها در مورد صدور رأی نسبت به دعوی اصلی (تجویز انتقال منافع) اعتراض و تقاضای اتخاذ تصمیم در این باره شده و ریاست

دادگاه جواباً اعلام نموده است که با توجه به اصدار رأی اقدامی میسر نیست. آقای دادیار انتظامی در پایان گزارش چنین اظهار عقیده نموده است:

۱- با عنایت باینکه اظهارات آقای وکیل خواهانهای اصلی در جلسه مورخ ششم اسفند ۷۶ که مورد استناد دادگاه در رأی موضوع دادنامه شماره ۱۶۵۸ و ۱۶۵۷ - سوم آذر ۸۰ قرار گرفته علی الاطلاق دلالتی بر هیچگونه توافقی ندارد و با التفات به اینکه دادگاه رسیدگی کننده طبق ماده ۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مکلف بوده که بهر دو دعوی اصلی و تقابل رسیدگی و در خصوص آنها اقدام به صدور رأی نماید با این توضیح که بدو در باب نیاز شخصی ادعایی خواهان تقابل تحقیقات لازم را انجام داده و در صورت اثبات احتیاج یا تعیین حق کسب و پیشه حکم بر تخلیه عین مستاجر صادر و به رد دعوی اصلی اعلام رأی نماید و در صورت عدم اثبات نیاز ادعایی موجر ضمن رد دعوی تقابل مطابق ماده ۱۹ قانون روابط موجر و مستاجر حکم بر تجویز انتقال منافع به غیر به همان شغل فعلی یا مشابه آن صادر و اعلام دارند و چون آقای . . . به نحو مقرر قانونی عمل نکرده و بدون اظهار نظر در خصوص دعوی اصلی اقدام به صدور رأی بر تخلیه ای نموده که نه توافقی در آن وجود داشته و نه اجتناب شخصی ادعای موجر به اثبات رسیده تخلف مشارالیه از قوانین موضوعه مسلم است.

۲- در محدوده رأی صادره و اقدامات بعدی دادگاه با توجه به اینکه مطابق ماده ۲۸ قانون روابط موجر و مستاجر مصوب ۱۳۵۶ صدور اجرائیه در پرونده امر که بدون تأدیه حق کسب و پیشه مستاجران صورت گرفته خلاف مقررات قانونی است.

۳- با توجه به اینکه مستاجران دارای وکیل بوده اند ابلاغ نظر هیأت پنج نفره کارشناسان رسمی به احد از موکلان و متعاقب آن صدور رأی بدون ابلاغ موضوع به وکیل مزبور که تبعاتی از قبیل عدم امکان اعتراض

مشارالیه به نظریه کارشناس را به دنبال داشته مغایر قوانین جاریه محسوب می شود بنا علیهذا عقیده به تعقیب انتظامی آقای . . . رئیس شعبه . . . دادگاه عمومی بر اساس ماده بیست نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات دارم.

سرانجام با نظریه فوق موافقت شده در نتیجه کیفرخواست شماره بالا از دادسرای انتظامی قضات صادر شده با استناد ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات تقاضای مجازات انتظامی قاضی مشتکی عنه انتظامی گردیده است.

کیفرخواست به قاضی نامبرده ابلاغ شده از ناحیه وی لایحه دفاعیه ای واصل شده که هنگام شور قرائت خواهد شد.

اینک شعبه . . . دادگاه عالی انتظامی قضات به ترتیب فوق تشکیل است پس از مطالعه گزارش امر و لایحه دفاعیه با کسب عقیده معاون محترم دادسرای انتظامی قضات مبنی بر (صدور حکم دائر بر تعیین مجازات انتظامی قضای مشتکی عنه موافقم) و انجام مشاوره به شرح آتی رأی صادر می نماید:

رأی

عملکرد قاضی مشتکی عنه انتظامی از حیث صدور رأی در خصوص دعوی متقابل علیه مستاجر دایر بر تخلیه محل کسب بدون وجود توافق و یا احراز نیاز شخصی و اصدار اجرائیه بر تخلیه آن محل بدون تودیع حق کسب و پیشه مورد حکم و نیز مسکوت گذاشتن دعوی اصلی مطروحه از جانب مستاجر (تجویز انتقال منافع) و همچنین عدم ابلاغ نظر هیأت کارشناسان و دادنامه صادره به وکیل مستاجران به ترتیب منعکس در گزارش مبنای کیفرخواست تخلف است و دفاع وی مؤثر تشخیص داده نشد.

بنا بر این مراتب آقای . . . رئیس شعبه . . . دادگاه عمومی تهران را به استناد صدر ماده ۲۰ نظامنامه راجع به تشخیص انواع تقصیرات انتظامی قضات به کسر خمس حقوق ماهیانه به مدت سه ماه محکوم می نماید. رأی صادر قطعی است. \*